

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیستم، شماره هفتادوهفتم

بهار ۱۳۹۸

چگونگی تغییر گفتمان فرهنگی - سیاسی جامعه پس از رسول خدا ﷺ

با تأکید بر احادیث ساختگی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۳

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۴/۶

۱ سید محمد تقی موسوی کراماتی

۲ محمد تقی دیاری بیدگلی

جامعه اسلامی پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی ارزش‌های ناهمسو با ارزش‌های عهد نبوی حرکت کرد. این مقاله در پی روشن ساختن راهبردهای هدفمند حکومت پس از دوران حضور پیامبر ﷺ برای جابه‌جایی فرهنگی در سایه سکوت دینی و مدنی افکار عمومی جامعه اسلامی است. مقاله با روش تحلیلی و با استناد به منابع دست اول نشان می‌دهد که این راهبرد به کمک احادیث ساختگی، ابعاد سه‌گانه اندیشه، شخصیت و سنت پیامبر ﷺ را از طریق برنامه سه‌گانه نظریه‌سازی، شخصیت‌سازی و رفتارسازی دگرگون ساخت و کوشید قرائتی نو از گفتمان اسلامی و سازگار با منافع سیاسی در میان افکار عمومی نهادینه سازد.

کلیدواژگان: گفتمان نبوی، احادیث ساختگی، تغییر گفتمان، تاریخ صدر اسلام، نهاد

خلافت.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (Musavi.keramati@yahoo.com).

۲. استاد دانشگاه قم (mtdiari@yahoo.com).

۱. مقدمه

این مقاله بر آن است به تحلیل و بازکاوی چگونگی چرخش گفتمانی جامعه اسلامی پس از رسول خدا ﷺ بپردازد. پرسشی که تحقیق حاضر بر اساس آن سامان می‌یابد، پیرامون این مسئله است که حکومت پس از رسول خدا ﷺ با چه راهبردی موفق شد گفتمان نبوی را از درون به نفع خود استحاله نماید؟ و چرا با وجود آن که این دگرگونی گفتمانی دارای رویکردی متفاوت با ارزش‌های نبوی بود، بیشتر جامعه اسلامی از آن روی برنتافتند؟

واقعیت تاریخی پس از رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد با روی کار آمدن حکومت جدید در گفتمان نبوی تغییر و تحولات ساختاری ایجاد شد. این دگردیسی با جابه‌جایی گسترده‌ای که در اصول و ارزش‌ها ایجاد کرد، چهره‌ای جدید و متفاوت از گفتمان نبوی در احکام، حکومت و ارزش‌های اجتماعی پدید آورد.

عوامل دیگری، مانند رقابت‌های پیدا و پنهان قبیله‌ای، حسادت و کینه‌های به جا مانده از روزهای جابه‌جایی، جای‌گزینی فرهنگ اسلامی به جای هنجارهای جاهلی و ضعف ایمان در این دگردیسی سیاسی و فرهنگی بی‌تأثیر نبوده است اما این عوامل نمی‌توانستند گفتمان سیاسی و فرهنگی پایداری مغایر با ارزش‌های نبوی ایجاد کنند.

فرضیه‌ای که نویسنده این مقاله در پی تحقیق آن برآمده است، این باور است که جامعه پس از پیامبر ﷺ با یک حرکت فرهنگی و اعتقادی جای‌گزین با فرهنگ رسول خدا ﷺ به بریدگی از ارزش‌های نبوی ﷺ رضایت داد. سامان‌دهی فرهنگ جای‌گزین با برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری زمان بندی شده، همراه با سیاست‌گذاری‌های عمیق فکری، فرهنگی و شبه دینی پیرامون محور جایگاه رسول خدا ﷺ در نظام دینی انجام گرفت تا به یک رفتارگرایی و فرهنگ سازی خاصی در حوزه اجتماعی منجر شود. تحقق این امر با پشتوانه احادیث جعلی در سه رویکرد نظریه سازی، شخصیت سازی و رفتارسازی پدید آمده است.

براساس بررسی‌های فراوان، کتاب یا مقاله‌ای یافت نمی‌شود که به صورت مستقل، این موضوع را با این نوع تحلیل بازکاویده باشد. هر چند در آثار متعدد، وقتی به چرایی بعضی عملکردهای حاکمان پس از رسول خدا پرداخته می‌شود به دوگانگی میان ارزش‌های جامعه نبوی و پس از آن توجه می‌گردد.

به عنوان نمونه، اثر گران‌سنگ *نقش ائمه در احیاء دین* نوشته سید مرتضی عسکری در موارد متعددی از تفاوت و تناقض عملکردهای خلفا با رسول خدا نام برده است. ^۱هم‌چنین، رسول جعفریان ^۲ در کتاب *تاریخ خلفا* در بحثی با عنوان دشواری‌های امام از بحران‌های فرهنگی و ارزشی که فراروی امیرالمؤمنین حضرت علی وجود داشت، یاد می‌کند.

مقالات فراوانی در پی یافتن این پرسش برآمده‌اند که چرا جامعه پس از رسول خدا از اهل بیت روی برتافتند؟ که می‌توان به مقالاتی چون *سقیفه بازتولید سیادت جاهلی* نوشته علی ناظمیان فرد اشاره کرد. نویسنده در این پژوهش می‌کوشد، روشن سازد که چگونه اعضای سقیفه با بازسازی ساز و کار تعیین قدرت در نظام قبیله‌ای عصر جاهلیت، موفق شدند اعضای حاضر را در چانه زنی سیاسی سقیفه به پذیرش حکومت خود قانع سازند؟^۳

مقاله چگونگی و چرایی بازگشت به جاهلیت در جامعه پس از پیامبر نوشته جواد سلیمانی به چرایی ظهور اخلاق جاهلی پس از پیامبر می‌پردازد. او اشرافی‌گری، تساهل‌ورزی نسبت به اجرای احکام و نفوذ ناهلان در مناصب دولتی را از عواملی می‌داند

۱. سید مرتضی عسکری، *نقش ائمه در احیاء دین*، ج ۲، ص ۴۹۴-۵۰۱.

۲. رسول جعفریان، *تاریخ خلفا*، ص ۲۳۹-۲۴۷.

۳. علی ناظمیان فرد، «سقیفه بازتولید سیادت جاهلی»، پژوهش‌های تاریخی، سال سوم، ۱۳۹۰، ش ۴،

که زمینه چنین بازگشتی را به وجود آوردند.^۱ هم‌چنین، مقاله چرا به حدیث غدیر عمل نشد؟ نوشته سید علی حسینی ادیانی برای یافتن پاسخ این پرسش، آن را در چند عامل عقده‌های درونی قریش، حسادت و طمع قریش در قدرت جسته است.^۲

یاد آوری این نکته مهم است که در این پژوهش‌ها، پرداختن به انگیزه‌ها و چگونگی پیروزی بر رقیبان است در کانون توجه قرار گرفته است، اما چگونگی روند تغییر و چرایی این پذیرش از سوی افکار عمومی جامعه اسلامی ناگفته مانده است. مقاله حاضر بر آن است که به چرایی این تدوام و چگونگی ادامه این روند خاص سیاسی در جامعه اسلامی با تأکید بر نقش احادیث ساختگی بپردازد.

۲. نقش احادیث ساختگی در تغییر گفتمان نبوی

واگرایی ارزشی با گفتمان نبوی ﷺ بزرگ‌ترین چالشی بود که حکومت جدید پس از رسول خدا ﷺ با آن روبه‌رو گردید. حفظ روند اعتبار بخشی و مشروعیت سنجی ارزشی در جامعه دینی، دولت مستقر را به سرعت در یک بحران اجتماعی بزرگ فرو می‌برد. توقف این روند جز با تغییر نگرش در نقش کانونی و مطلق رسول خدا ﷺ در نظام دینی حاصل نمی‌شد.

بنابراین، تغییر در معیارهای ارزش گذاری با مسخ جایگاه ارزشی رسول خدا ﷺ به دست می‌آمد. این امر انجام پذیر نبود، مگر با یک حرکت دینی که بار فرهنگی خاصی مطابق با نگرش‌های حکومت جدید تولید نماید اما پرسش اساسی در این باره پیرامون

۱. جواد سلیمانی، «چگونگی و چرایی بازگشت به جاهلیت در جامعه پس از پیامبر»، حکومت اسلامی،

۱۳۸۷، ش ۴، ص ۸۹-۱۰۹.

۲. سید علی ادیانی حسینی، «چرا به حدیث غدیر عمل نشد»، فصلنامه علوم انسانی، ش ۴۱، ص ۸۹-

چگونگی به کارگیری راهبرد وضع حدیث به منظور دستیابی به مقاصدی است که از حیث سیاسی، دولت پس از رسول خدا ﷺ آن را دنبال می‌نمود.

بازشناسی احادیثی که در این زمینه وجود دارند، روشن می‌سازد بهره برداری از احادیث جعلی در راهبرد تغییر گفتمانی جامعه نبوی با نگاهی کلان سامان دهی می‌شود. این مجموعه از احادیث به صورت کلی رو به سوی ۱. افکار پیامبر ﷺ، ۲. شخصیت پیامبر ﷺ و ۳. سنت پیامبر ﷺ دارند. در این مقاله، بررسی تغییر ابعاد این سه وجه با هدف گذاری سه گانه نظریه سازی، شخصیت سازی و رفتارسازی در دستور کار قرار می‌گیرد.

۳. نظریه سازی (تغییر در افکار پیامبر ﷺ)

جریان حاکم پس از رسول خدا ﷺ با قرائت مطلق از جایگاه نبوی ﷺ در عمل مخالفت نمود. این مخالفت نه از موضع انکار مطلق بلکه با هدف مقید کردن جایگاه مطلق رسول خدا ﷺ در نظام دینی انجام گرفت. ایجاد چنین خوانشی از دین، نیازمند نظریه‌ای بود که قادر باشد آن را در پوششی از دین قرار دهد و مردم را با خود همراه سازد. بنابراین، این بخش به گونه‌ای سامان می‌یابد که رفتار سیاسی حاکمان از انتقادات افکار عمومی مصون بماند و زمینه برای اطاعت پذیری مطلق و بی چون و چرای آنان، حتی در رفتارهای متناقض با موازین اسلامی گشوده شود.

۳-۱. اجتهاد در برابر نص

نظریه اجتهاد در برابر نص، خاستگاه اصلی روندی است که جریان تغییر را در کانون گفتمان اصیل اسلامی رقم زد. مبنایی که حق تغییر و دگرگونی در سیاست‌های بنیادین دینی اسلام را به منبعی در کنار رسول خدا ﷺ واگذار می‌نمود. مرجع سازی دینی در عرض رسول خدا ﷺ و حذف مطلق انگاری جایگاه آن حضرت ﷺ در تعیین ارزش‌های دینی، بزرگ‌ترین گامی بود که برای تأمین مقبولیت پایدار حکومت پس از رسول خدا ﷺ برداشته شد.

آنچه در ادامه خواهد آمد به جز اندیشه جبرگرایانه، پیوندی ذاتی با مسئله اجتهاد در مقابل نص دارد. اجتهاد در برابر نص بدون استناد به منابع دینی پدید آمد اما پس از آن با حضور احادیث جعلی، جایگاهی ویژه برای حاکمان در نظام دینی آفرید.

۲-۳. نتایج اجتهاد در برابر نص

قدسی سازی و مرجع سازی برای خلفا از دل این جریان پدید آمد و آنان را در تعیین ارزش‌های جدید از اختیارات ویژه‌ای برخوردار می‌ساخت.

۱-۲-۳. قدسی سازی

مقام خلیفه دوم در میان افکار عمومی به اندازه‌ای ارتقا یافت که گمان کردند، قرآن در موافقت با رأی و عقیده وی نازل شده است.^۱ رفتار و گفتار وی معادل حق قرار گرفت و این پرسش به وجود آمد که اگر تناقضی میان رأی خلیفه دوم با رأی پیامبر ﷺ به وجود آید، حق با کدام یک از دو طرف خواهد بود؟ در صحیح بخاری از رسول خدا ﷺ در این باره نقل می‌شود:

در امت‌های شما مردمانی بودند که فرشتگان با آنان سخن می‌گفتند. اگر در میان امت من کسی با این خصوصیت باشد عمر است^۲ و از عقبه بن عامر (د. ۵۸ق) نقل می‌شود که از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: اگر بعد از من پیامبری وجود داشت او عمر بن خطاب بود.^۳

۲-۲-۳. مرجع سازی

چنان که گفته شد، اجتهاد در مقابل نص، ایجاد منبعی جدید در کنار مرجعیت دینی بود که براساس گزاره‌های اسلامی برای رسول خدا ﷺ تعریف می‌شد. این روند در کنار گسترش احادیث جعلی به صورت عملی از سوی حاکمان دنبال می‌گردید.

۱. بخاری، الجامع الصحیح، ج ۱ ص ۱۰۵؛ مسلم بن حجاج، الجامع الصحیح، ج ۷، ص ۱۱۹.

۲. بخاری، الجامع الصحیح، ج ۴، ص ۱۴۹.

۳. ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۲۸۱.

این نگرش همسان سازانه در رفتار خلیفه دوم دیده می‌شود. جماعتی از مردم شام به حضور وی می‌رسند و از او تقاضا می‌کنند برای مال، اسب و غلام آنها زکات معین سازد. او در پاسخ، عمل ابوبکر با پیامبر گرامی اسلام را در وزنه‌ای یکسان قرار داد و گفت: مطابق با آنچه پیامبر و ابوبکر انجام دادند عمل کنید.^۱

یکی دیگر از مواردی که می‌تواند گواهی نیکو بر این امر باشد، گفت‌وگویی است که میان عمران بن سواده با عمر بن خطاب گزارش می‌شود. آن‌گاه که عمران بن سواده از خلیفه دوم از چرایی اجتهاد او در برابر نص و سنت پیامبر می‌پرسد در پاسخ می‌گوید: من هم‌ردیف و هم‌شان پیامبرم.^۲

متأسفانه، این نگرش به صورت یک قانون در ساختار فکری و سیاسی جامعه اسلامی نقش بست. آن‌چنان که در شورای شش نفره، ملاک‌گزینش خلیفه از سوی عبدالرحمن بن عوف، التزام عملی به سیره خلیفه اول و دوم تعیین شد.^۳ این ساز و کار سیاسی منجر به کنار زدن امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در شورای شش نفره و روی کار آمدن عثمان گردید.

در لغو قانون تحریم نگارش حدیث از سوی عمر بن عبدالعزیز نشانه‌ای دال بر این موضوع وجود دارد؛ زیرا عمر بن عبد‌العزیز در بخش نامه خود به تساوی سنت پیامبر صلی الله علیه و آله با سیره خلیفه اول و دوم تصریح می‌کند.^۴ در عرض قرار گرفتن سنت خلفا با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و حتی برتری و ترجیح آن را می‌توان در درگیری لفظی ابن عباس با عروة بن زبیر در حج تمتع مشاهده کرد. ابن عباس در این باره می‌گوید:

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۱۴.

۲. طبری، تاریخ، ج ۴، ص ۲۲۵.

۳. همان، ص ۲۳۸.

۴. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۳۷۰؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۱، ص ۳۸۵.

آنها را چنان می بینیم که به زودی هلاک می شوند. من می گویم: پیامبر فرمود و او می گوید: ابوبکر و عمر نهی کردند.^۱

نتیجه این روند تا آن جا پیش رفت که حجاج بن یوسف، گستاخانه مقام خلیفه را در برابر پیامبر ﷺ قرار می داد. در گزارشی در این باره آمده است:

حجاج در کوفه نطق کرد و از کسانی یاد نمود که به مدینه به زیارت مزار پیامبر خدا ﷺ می روند، و گفت: مرگ بر این ها! به گرد پاره های چوب و استخوان پوسیده طواف می کنند. چرا نمی روند به گرد کاخ امیرالمؤمنین عبد الملک طواف کنند؟ مگر نمی دانند خلیفه خدا بهتر و برتر از پیامبر او است.^۲

۳-۳. اطاعت پذیری مطلق

اطاعت پذیری مطلق بینشی است که نقش بنیادینی در پذیرش حکومت جدید و تداوم حیات سیاسی آن در جامعه دارد. نتیجه حاصل از این تفکر در میان مسلمانان این بود که هیچ گاه، پشتوانه اجتماعی حکومت پس از رسول خدا ﷺ مخدوش نمی شد و به خلیفه اختیار می داد، خارج از چهارچوب مقررات دینی و وظایف قانونی عمل نماید. در این بخش به روایت هایی اشاره خواهیم کرد که به وجوب اطاعت پذیری مطلق از خلیفه مسلمانان فرمان می دهد، حتی اگر خلیفه به ظلم و گناه آلوده باشد. در روایتی در این باره آمده است:

رسول خدا فرمودند: بعد از من امامانی خواهند بود که به راه و رسم من نمی روند و سنت مرا نمی پذیرند. در میان اینان مردانی هستند که دل هایشان، دل های شیاطین در بدن انسان است. حدیقه می گوید: گفتم که ای رسول خدا! اگر

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۳۳۷.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۴۲.

آن زمان را دریابم چه کنم؟ فرمود: گوش فرا می‌دهی و اطاعت می‌کنی از امیر، حتی اگر تو را با تازیانه بزند و مالت را بگیرد.

ابوهریره در روایتی دیگر از پیامبر ﷺ در این باره می‌گوید:

هر کس از اطاعت خارج گردد و از جماعت جدا شود، سپس بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است.^۱

۳-۴. جبر

این مفهوم به دلیل تأثیری که از پذیرفتن یا نپذیرفتن آن در رفتارهای اجتماعی ایجاد می‌شود، توجه جریان‌های سیاسی را به خود جلب کرد. از این رو، مفهوم جبر به عنوان یک طعمه سیاسی استفاده می‌گردید تا هر نوع انگیزه قیام و اعتراض نسبت به سیاست‌های حکومت را در نطفه خفه کند. در یکی از این روایت‌های ساختگی در این باره آمده است:

ابوهریره از پیامبر نقل می‌کند که حضرت موسی به آدم ابوالبشر گفت: آدم، تو پدر بشر هستی که خدا به دست خود تو را آفریده و روح خود را در تو دمیده فرشتگان را به سجده بر تو فرمان داده است؛ چرا ما و خود را از بهشت بیرون کردی؟ آدم در پاسخ گفت: تو موسایی که خدا با تو سخن گفته و تورات برای تو نوشته است، بنگر که خدا چند سال پیش از آفرینش من، عصیان و گمراهی مرا در تورات نوشته است؟ موسی در پاسخ گفت: چهل سال. بنابراین آدم تقصیری نداشت؛ زیرا از تقدیر چهل سال پیش از آفرینش گریزی نیست.^۲

۱. مسلم بن حجاج، الجامع الصحیح، ج ۹، ص ۱۸.

۲. همان، ج ۸، ص ۵۰.

۴. شخصیت سازی (تغییر شخصیت پیامبر ﷺ)

شخصیت پیامبر ﷺ به عنوان میزانی مهم برای سنجش اعتبار رفتارهای دینی شناخته می‌شود. با وجود اختلاف فکری و رفتاری که میان حکومت پس از رسول خدا ﷺ با گفتن پیامبر ﷺ وجود داشت، طبیعی بود که با تداوم حفظ این تصویر از جایگاه و شخصیت رسول خدا ﷺ، حیات سیاسی قدرت حاکم به خطر افتد.

بنابراین، اهداف حکومت در سیاست اجتهاد در برابر نص محقق نمی‌شد مگر در کنار افکاری که اندیشه دینی را مطابق با خواست حکومت تغییر می‌دادند. برای تحقق این هدف باید ابعاد مختلف حیات پیامبر گرامی اسلام و شخصیت ایشان را متناسب با چرخش فکری تغییر می‌دادند.

۴-۱. تخریب اعتبار خانوادگی پیامبر ﷺ

به نظر می‌رسد که این کار با هدف تغییر و تحول در میزان صلاحیت و سنجش اعتبار دینی و معنوی حاکمان پس از رسول خدا انجام گرفته است؛ زیرا حاکمان نوپای پس از رسول خدا ﷺ فاقد چنین اعتباری بودند. حضرت علی علیه السلام در سرزنش معاویه به این مسئله اشاره می‌کند.^۱

از سوی دیگر، رقیبان حکومت سقیفه از اعتباری فراوان و وجاهتی عالی برخوردار بودند که با دست اندازی به تبار خانوادگی پیامبر ﷺ، نقطه ضعف حکومت در عرصه رقابت‌های سیاسی در برابر ایشان پوشیده می‌شد. به عنوان نمونه در روایتی در منابع مهم اهل سنت آمده است:

پیامبر ﷺ درباره جهنمی بودن پدرش خبر داده است. فردی به رسول خدا

گفت: یا رسول الله! پدرم کجاست؟ رسول خدا فرمود: پدر تو در آتش است.

چون آن مرد رفت، پیامبر او را صدا کرد و فرمود: پدر من و پدر تو، هر دو در

۱. نهج البلاغه، نامه ۱۰.

آتش هستند.^۱

بر این روایت از جهت سندی ضعف‌هایی وارد است؛ زیرا حماد بن سلمه در سند آن به ضعف در حفظ متهم است. افزون بر این، ابن ابی العوجا که از زندیقان آن عصر به شمار می‌رود، فرزند خوانده او بود. از این روی احتمال دست بردن در احادیث او به وسیله ابن ابی العوجا دور از ذهن نیست.^۲

پس از بررسی رویکرد انکارآمیز درباره اجداد پیامبر ﷺ در احادیث، اکنون شایسته است به دیگر سوی این قضیه بنگریم که چگونه جریان سازمان یافته حدیث‌سازی سیاسی، اذهان را به سمت خاصی سوق می‌دهد. به عنوان نمونه، عایشه درباره مسلمان بودن پدرش، ابوبکر گزارش می‌دهد:

پدر هیچ یک از مهاجران جز ابوبکر مسلمان نشد.^۳

با این حال، علامه امینی نام بیست و پنج نفر از مهاجران را که پدران آنها مسلمانان شدند در نقض و نقد روایت بالا، بیان می‌کند.^۴ در گزارش دیگری، به نام امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام چنین حدیثی را ساخته‌اند تا در پرتو اعتبار نام امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام جعلی بودن آن پوشیده شود. در این روایت در این باره آمده است:

زمانی پدر و مادر ابوبکر اسلام آوردند که پدر هیچ کدام از صحابه مسلمان

نبودند.^۵ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز ملی با مع علوم انسانی

۱. مسلم بن حجاج، الجامع الصحیح، ج ۱، ص ۱۳۳.

۲. ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۳؛ رک: سید جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ج ۲، ص ۸۱.

۳. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۵۴۸.

۴. رک: امینی، الغدیر، ج ۷، ص ۴۱۸.

۵. بیهقی، سنن، ج ۹، ص ۲۰۴؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۹، ص ۱۹۹.

گفتنی است گزارش حدیثی بالا به صورت مرسل از امیرالمؤمنین حضرت علی رضی الله عنه بیان می‌شود. بنابراین نمی‌تواند دارای اعتبار لازم در دانش حدیث باشد.^۱

۲-۴. تخریب گذشته پیامبر صلی الله علیه و آله

بخشی دیگر از برنامه‌ای که برای تخریب جایگاه حقوقی پیامبر صلی الله علیه و آله با هدف سیاسی انجام گرفت، زیر سؤال بردن حیات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پیش از بعثت بود. عبدالله بن عمر (د. ۷۳) در روایتی در این باره می‌گوید:

رسول خدا پیش از بعثت با زید بن عمرو بن نفیل ملاقات نمود و او را به خوردن گوشت دعوت کرد، اما زید بن عمرو بن نفیل از خوردن آن گوشت امتناع ورزید و در پاسخ به دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: من نه از آنچه برای بت‌ها ذبح می‌کنید، می‌خورم و نه از آنچه بر آن نام خدا را نمی‌برید.^۲

در این روایت سعی می‌شود مقام معنوی، شاخص‌های عقلانی و برجستگی‌های اخلاقی پیش از نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله تخریب شود تا هیچ امتیازی برای قرار دادن پیامبر صلی الله علیه و آله در رأس منابع دینی باقی نماند. در این روایت ساختگی، پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ رفتاری برخلاف فرهنگ فاسد جاهلیت نشان نمی‌دهد و به وسیله فرد دیگری که پسر عموی خلیفه دوم است، ملامت می‌شود.

وقتی که این روایت با روایت پیشین که نسب و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را تخریب می‌کند کنار هم گذاشته می‌شوند، می‌توان به این نتیجه رسید که این روایت در ادامه روایت پیشین خلق شده است تا اعتبار خانوادگی که نقطه قوت در مرجعیت دینی محسوب می‌شود از پیامبر صلی الله علیه و آله سلب شود.^۳

۱. امینی، العذیر، ج ۷، ص ۴۱۸.

۲. بخاری، الجامع الصحیح، ج ۹، ص ۲۲۵.

۳. ر.ک: نجمی، سیری در صحیحین، ص ۲۹۹.

این در حالی است که امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله و نوع پرورش، رشد و بالیدن ایشان می‌گوید:

از همان لحظه که پیامبر را از شیر گرفتند، خداوند بزرگ‌ترین فرشته خود را مأمور تربیت پیامبر کرد تا شب و روز، او را به راه‌های بزرگواری، راستی و اخلاق نیکو راهنمایی کند.^۱

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در گفتاری دیگر درباره شأن پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید:

نهاد اصلی وجود او را از بهترین معادن استخراج کرد و نهال وجود او را در اصیل‌ترین و عزیزترین سرزمین‌ها کاشت و آبیاری کرد... و درخت وجودش از بهترین درختان است. در حرم امن خدا رویید و در آغوش خانواده کریمی بزرگ شد. شاخه‌های بلند آن سر به آسمان کشید که دست کسی به میوه آن نمی‌رسید.^۲

هم‌چنین در بیانی دیگر، حقیقت را این‌گونه بیان می‌کند:

پیامبری که بهترین آفریدگان در خردسالی و در سن پیری نجیب‌ترین و بزرگوارترین مردم بود.^۳

۳-۴. تخریب حیات پیامبر صلی الله علیه و آله در دوران پیامبری

پس از تخریب نسب، گذشته پیامبر صلی الله علیه و آله و چگونگی رویارویی آن حضرت با آغاز نبوت، در ادامه، حیات پیامبر صلی الله علیه و آله در دوران پیامبری باید با ویژگی‌هایی معرفی می‌شد که اهداف تعیین شده برای ایجاد نظام فکری جدید تأمین می‌گردید. در این بخش، پیامبر صلی الله علیه و آله همان

۱. نهج البلاغه، خ ۱۹۲.

۲. همان، خ ۹۴.

۳. همان، خ ۱۰۵.

شخصیت گذشته خویش را نشان می‌دهد که به هیچ کمالی نرسیده است و هنوز متأثر از عناصر فرهنگی جاهلیت است.

در این دوران ابوبکر، عمر و عثمان به جای ورقه بن نوفل در قضیه آغاز بعثت^۱ و زید بن عمرو بن نفیل اشتباهات پیامبر ﷺ را به وی یادآور می‌شوند و نقش ناجی؛ یعنی نقش ثابتی در همه این احادیث ساختگی دارند. به عنوان نمونه، در صحیح بخاری از عایشه روایت می‌شود:

که دو دختر در خانه من آوازه خوانی می‌نمودند و اشعار جنگ بعثت^۲ را می‌خواندند. رسول خدا وارد گردید و به رختخواب رفت و صورت خود را به آن دو برگردانید و در این هنگام ابوبکر هم وارد گردید و با دیدن آوازه خوانها به من پرخاش نمود و گفت: آیا در حضور پیامبر هم غنا و موسیقی؟ رسول خدا به ابوبکر رو کرد و فرمود: آنان را به حال خودشان واگذار. عایشه می‌گوید ابوبکر به جای دیگر متوجه گردید، من به آن دو دختر اشاره کردم و از خانه بیرون رفتند.^۳

آثار ساختگی بودن در متن گزارش بالا آشکار است اما با توجه به آیات قرآن، بطلان

این خبر بهتر ثابت می‌گردد. خداوند در قرآن می‌فرماید:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ^۴

۱. بخاری، الجامع الصحیح، ج ۱، ص ۴.

۲. پیش از اسلام، جنگ های زیادی میان اوس و خزرج برای ریاست بر یثرب پدید آمده بود. بعثت به یکی از مشهورترین جنگها میان این دو قبیله گفته می‌شود(ابن خلدون، تاریخ، ج ۲، ص ۳۴۹).

۳. بخاری، الجامع الصحیح، ج ۲، ص ۲؛ مسلم، الجامع الصحیح، ج ۲، ص ۴۲.

۴. لقمان/۹.

بر اساس روایات، مقصود از لهو الحدیث، رقص و آوازه خوانی تفسیر می‌شود.^۱ در بعضی از منابع اهل سنت آمده است که پیامبر ﷺ عایشه را دعوت می‌کند تا رقص یک حبشی را تماشا کند. عایشه سر خود را به روی شانه پیامبر ﷺ می‌گذارد و مشغول تماشا می‌شود تا این که ناگهان خلیفه دوم می‌آید و مردم از اطراف پراکنده می‌شوند. پیامبر ﷺ با دیدن این صحنه در توصیف عمر می‌گوید:

به راستی که می‌بینم شیاطین - چه از جن و چه از انس - از عمر می‌گریزند.^۲

۵. رفتارسازی (تغییر سنت پیامبر ﷺ)

رفتارسازی غایتی است که از ایجاد تغییر در افکار و شخصیت پیامبر ﷺ به دست می‌آید. طبیعی است که وقتی افکار و شخصیت پیامبر ﷺ برخلاف واقعیت بیان می‌شد، ایجاد و تحکیم ارزش‌های رفتاری جدید، آسان می‌گردید. افزون بر این، مرجع سازی جدیدی که در کنار رسول خدا ﷺ پدید آمد، فرایند تغییر گفتمانی نبوی را تسریع می‌بخشید.

۵-۱. تغییر سنت نبوی

سنت موضوعی است که آغاز و چگونگی انشعاب امت رسول خدا ﷺ را به درستی تبیین می‌نماید. به طور معمول در بررسی‌ها و تحلیل‌هایی که درباره اختلاف امت اسلامی انجام می‌شود، مسئله خلافت به عنوان نخستین مسئله اختلاف برانگیز میان امت اسلامی مطرح می‌گردد. در حالی که اگر به درستی و موشکافانه موضوع تحلیل شود، موضوع خلافت فرعی بر سنت نبوی شناخته می‌شود.

آنچه سبب شد اصحاب سقیفه در برابر اهل بیت علیهم السلام قرار گیرند. اختلاف بر سر جایگاه سنت رسول خدا ﷺ در نظام فکری و رفتارهای اسلامی بود و این دو قرائت

۱. ابن کنیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۹، ص ۲۹۹؛ سیوطی، درالمنثور، ج ۵، ص ۱۵۹.

۲. ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۲۸۵؛ نسایی، سنن، ج ۵، ص ۳۰۹.

مختلف از نقش و جایگاه سنت رسول خدا ﷺ مبدأ اختلاف و رویارویی اهل بیت پیامبر ﷺ با اصحاب سقیفه گردید.

در مکتب اهل بیت ﷺ، سنت پیامبر ﷺ همسان اطاعت خدا قرار می‌گیرد. اجتهاد در برابر آن ناپسند است و مخالفت با خدا قلمداد می‌شود اما در مکتب خلفاء، فتوا و حرکت بر خلاف سنت و سیره رسول خدا ﷺ تحت شرایطی مجاز است.

آغاز کم‌رنگ شدن سنت رسول خدا ﷺ از سوی نخبگان و برخی از اصحاب برجسته رسول خدا ﷺ شروع شد. این روند با سکوت در مقابل اجتهاد در برابر نص ظهور نمود و به تثبیت آن در برابر سنت رسول خدا ﷺ انجامید. خلیفه دوم به صورت رسمی اعلام کرد که هر کس متعه انجام دهد از سوی حکومت سقیفه تحت پی‌گرد قانونی قرار می‌گیرد. او با اعتراف به حلال بودن متعه در زمان رسول خدا ﷺ تحریم آن را اعلام می‌نماید.^۱

عدم استناد به قرآن و معارف رسول گرامی اسلام ﷺ در فرمان و دستور رسمی حکومت سقیفه دیده می‌شود. خلیفه دوم، خود را منبع اعلام این حکم معرفی می‌کند و به بیانی دیگر، او خودش را مرجعی جدید در ابقا و الغای احکام در کنار سایر منابع دینی اعلام می‌نماید. پس از آن، هواداران قرائت جدید از خلافت کوشیدند با عطف به مرجعیت سازی جدید، آن را به عنوان یک قانون به جامعه معرفی کنند.

بر این اساس، انشقاق دو جریان فکری بر مبنای اصالت بخشی به دو اصل متفاوت و رویارویی آن دو در صحنه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی بیشتر دیده می‌شود. مروان بن حکم بن ابی العاص (د. ۵. ﷺ ق) در این باره می‌گوید:

عثمان و علی ﷺ را در حج دیدم در حالی که عثمان از متعه حج منع می‌کرد

و علی ﷺ با صدای بلند مردم را بر متعه حج ترغیب می‌کرد و می‌فرمود:

۱. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۲، ص ۳۹۲؛ بیهقی، معرفة السنن والآثار، ج ۵، ص ۳۴۵.

هیچ‌گاه سنت پیامبر را به خاطر سخن کسی رها نمی‌کنم.^۱

در واقع این نزاع، ترجمان دو منطق و فرهنگ در خصوص ارزش و جایگاه سیره رسول خدا ﷺ در این دو مکتب است. در عرض قرار گرفتن سنت خلفا با سیره پیامبر ﷺ و برتری و ترجیح آن را می‌توان در درگیری لفظی ابن عباس با عروة بن زبیر مشاهده کرد. در مسند احمد بن حنبل در این باره آمده است:

عروة بن زبیر، ابن عباس را متهم به گمراهی مردم در خصوص حج تمتع

نمود اما ابن عباس در پاسخ رأی خود را مستند به سیره رسول خدا ﷺ می‌کرد.^۲

به عنوان نمونه، در روایتی دیگر منازعه درباره اصالت و اولویت بخشی سیره پیامبر ﷺ یا خلفا بیشتر مشهود است. در این روایت آمده است:

عروة گفت: آیا از خدا پروا نمی‌کنی که اجازه متعه می‌دهی؟ و ابن عباس در

پاسخ می‌گوید: از مادرت بی‌رسای کوتوله! عروة گفت: اما ابوبکر و عمر آن را

انجام ندادند و ابن عباس در پاسخ می‌گوید: من از رسول خدا برای شما می‌گویم

و شما از ابوبکر و عمر پاسخ می‌دهید.^۳

هم‌چنین، مشاجره و گفتگو و نزاع میان گفتمان اصالت سیره رسول خدا ﷺ در مقابل

مکتب خلفا پیرامون متعه نسا دیده می‌شود. مسلم در صحیح در این باره می‌نویسد:

عبدالله بن زبیر در مکه به پا خاست و گفت: مردمانی که خدا دل‌های آنان را

همانند چشمانشان کور کرده است به ازدواج موقت فتوا می‌دهند. کنایه عبدالله به

ابن عباس بود که چشمانش را از دست داده بود. ابن عباس در پاسخ گفت: تو

موجودی جلف و سبک‌سری. به جانم سوگند! متعه در زمان امام‌المتقین

۱. بخاری، الجامع الصحیح، ج ۲، ص ۱۵۲.

۲. احمد حنبل، مسند، ج ۱، ص ۲۵۲.

۳. ابن عبدالبر، الاستذکار، ج ۴، ص ۹۱.

(مقصودش رسول خداست) حلال بود. ابن زبیر گفت: خودت تجربه کن که به

خدا سوگند! اگر چنین کنی تو را با سنگ‌های خودت سنگسار می‌کنم.^۱

این اختلاف که بیشتر در نوع اصالت بخشی میان رسول خدا ﷺ و خلیفه دوم در مبنا قرار دادن احکام به وجود آمده بود به دوران تابعان و پیروان تابعان سرایت کرد. گفت‌وگوی عبدالله بن معمر لثی با امام باقر علیه السلام این مسئله را تأیید می‌کند. در گزارشی در این باره آمده است:

عبدالله بن معمر لثی نزد امام باقر علیه السلام آمد و از حضرت پرسید که آیا صحت

دارد که حکم به جواز متعه داده است؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: خدا آن را در

کتابش حلال نموده و سنت پیامبر بر آن قرار گرفته است و اصحاب آن را انجام

داده اند. عبدالله به امام باقر علیه السلام می‌گوید که عمر آنرا تحریم کرده است. امام علیه السلام

در پاسخ می‌گوید: تو بر فتوای رفیقت عمل کن و من هم بر اساس حکم رسول

خدا تعالی عمل می‌کنم.^۲

۵-۲. تغییر ارزش‌های اجتماعی نبوی

در زمان خلیفه دوم، دفتری برای تقسیم بیت المال تعیین شده بود که در آن بر اساس پیشینه اسلامی و نسبت قبیله‌ای میزان دریافتی‌های افراد متفاوت بود. نکته مهم در این جریان آن است که ابوسفیان و معاویه، مبلغی به میزان پنج هزار درهم بیش از مجاهدان جنگ بدر دریافت می‌کردند و در میان زنان پیامبر صلوات الله علیها به عایشه، ام حبیبه و حفصه مبلغ دوازده هزار درهم؛ یعنی دو برابر دریافتی دیگر زنان پیامبر صلوات الله علیها اختصاص داده شد.^۳ خلیفه دوم درباره چرایی تفاوت میان جویرییه، زن دیگر رسول خدا صلوات الله علیها با عایشه می‌گوید:

۱. مسلم، الجامع الصحیح، ج ۴، ص ۱۳۳.

۲. شیخ مفید، خلاصه الایجاز، ص ۲۹.

۳. یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۱۵۳.

هیچ‌گاه کنیزی را مساوی با دختر ابوبکر قرار نخواهم داد.^۱

خلیفه دوم در اعمال سیاست‌های خود، متأثر از نگاهی قومی و قبیله‌ای بود و برخی از قوانین مدونی که در زمان وی تصویب شد بر فاصله طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی افزود و از اسلام یک تصویر قومی و نژادی ساخت. برای نمونه، و در زمان خود، بخش‌نامه کرد که هیچ عجمی حق اقامت در مدینه را ندارد.^۲

نظام طبقاتی که خلیفه دوم بر خلاف ارزش‌های نبوی بنا کرد، در زمان بنی امیه به صورت گسترده‌ای نهادینه شد. مقیاس‌های اسلامی به صورت کلی به هم ریخت و میزان ارزش‌گذاری انسان بر اساس قومیت‌گرایی تعیین شد. رفتارهای برتری‌جویانه و نژادپرستانه تا آن‌جا پیش رفت که اعراب، خود را برتر از آن می‌دانستند که با موالی در یک صف گام بردارند و حاضر نمی‌شدند غیر عرب را با کنیه و به صورت احترام آمیزی صدا نمایند.

اگر اعراب با موالی بر سر یک سفره حاضر می‌شدند، موالی باید بالای سر اعراب هم‌چون خدمت‌گزاران می‌ایستاد تا آنها غذای خود را میل کنند. هم‌چنین، دختر موالی از پدر و مادر یا برادرش خواستگاری نمی‌شد و این امر با کسی که او را آزاد ساخته بود، انجام می‌پذیرفت. اگر عقدی بدون اطلاع صاحب ولای آن صورت می‌گرفت، صاحب ولا، حق فسخ آن را داشت.^۳

وضعیت اسفناک موالی در زمان بنی امیه با گزارش یکی از نمایندگان مردم خراسان به نام ابوالصیداء^۴ در حضور عمر بن عبدالعزیز آشکارتر می‌شود. او در این باره اعلام کرد

۱. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۴۴۲.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۲۰؛ مالک، موطن، ج ۵، ص ۵۲۰.

۳. ابن عبد ربه، عقد الفرید، ج ۱، ص ۱۲۰.

۴. نام او، صالح بن طریف از موالی بنی ضبه است. وی در سال ۱۱۰ق از سوی اشرس بن عبدالله السلمی، والی خراسان مأمور شد مردم سمرقند و دیگر شهرهای ماوراءالنهر را به اسلام فراخواند (طبری، تاریخ، ج ۹، ص ۵۵۹).

که بیست هزار موالی بدون هیچ دست‌مزدی در حال جنگند. این در حالی است که به همین اندازه، کسانی هستند که مسلمان شده‌اند، اما هنوز از آنها جزیه گرفته می‌شود. هم‌چنین، حاکم خراسان که نماینده بنی امیه و فردی متعصب بود، آشکارا اعلام می‌کرد: *به خدا سوگند! یک نفر از قومم نزد من محبوب تر از صد نفر دیگر است.*^۱

۶. نتیجه

رویکرد جریان حاکم پس از رسول خدا ﷺ در تضاد با نگرش و گفتمان پیامبر ﷺ قرار داشت. به دلیل آن که رسول خدا ﷺ در کانون ساختار گفتمان اصیل اسلامی، هویتی معنادار به همه ارکان مجموعه اسلامی می‌بخشید، نیازمندی حکومت جدید برای بازطراحی گفتمانی خاص با رویکردی جدید پدید آمد. این بازطراحی نه با تغییرات حاشیه‌ای، بلکه با دگرگونی‌های کانونی و مبنایی ممکن بود.

با جابه‌جایی نقطه کانونی گفتمان اصیل اسلام که در جایگاه و مقام رسول خدا ﷺ در نظام دینی تبلور یافته بود، روند تعیین مشروعیت و مقبولیت سیاسی نزد افکار عمومی تغییر یافت. تنها با چنین تحولات ساختاری بود که حکومت جدید موفق شد مقبولیتی پایدار برای بقای قدرت فراهم سازد.

آن چنان که مطرح شد، حکومت پس از پیامبر ﷺ با راهبرد سه‌گانه تغییر نگرش مردم در اندیشه، شخصیت و سنت پیامبر ﷺ با کمک رفتار خلفا بر اساس حرکت فرهنگی نظریه‌سازی و شخصیت‌سازی موفق شد، رفتارسازی جدیدی در حوزه گفتمانی پدید آورد که متناقض با گفتمان اصیل اسلامی بود.

رقابت‌های قبیله‌ای در این دگرگونی فرهنگی بی‌تأثیر نبودند، اما آنچه به صورت پایدار در حکومت و ارزش‌های اجتماعی و رفتارهای دینی بدون اعتراض فراگیر دینی و مدنی

۱. الکامل، ابن اثیر، ج ۵، ص ۵۱.

پدید آمد، حاصل جابه‌جایی عناصر اصلی در ساختار فرهنگی بود که با کمک سیاست حاکمان و احادیث ساختگی به صورت هدف‌مند انجام شد.



منابع

۱. قرآن.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد، شرح نهج البلاغه، بیروت: دارالجمیل، ۱۴۰۷ق.
۴. ابن اثیر، عزالدین أبو الحسن علی بن ابی الکرّم، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵ق.
۵. ابن حجر، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن حنبل، مسند، بیروت: عالم الکتاب، ۱۴۱۹ق.
۷. ابی داوود، سلیمان بن اشعث، سنن، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۴.
۹. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۰. ابن حنبل، مسند، بیروت: عالم الکتاب، ۱۴۱۹ق.
۱۱. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله بن محمد، الاستذکار، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۱۲. ابن عبد ربه، احمد بن محمد، عقد الفرید، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق.
۱۳. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۴. امینی، عبدالحسین، الغدیر، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۹ق.
۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، دارالطریق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۱۶. بلاذری، أبو الحسن أحمد بن یحیی، انساب الاشراف، بلاذری، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ق.
۱۷. بیهقی، احمد بن الحسین، معرفه السنن والآثار، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۱۸. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۱۹. جفریان، رسول، تاریخ خلفا، قم: دلیل ما، ۱۳۸۹.
۲۰. حسینی، سید علی ادیانی، «چرا به حدیث غدیر عمل نشد»، فصلنامه علوم انسانی، بهار ۱۳۸۱، ش ۴۱.
۲۱. سلیمانی، جواد، «چگونگی و چرایی بازگشت به جاهلیت در جامعه پس از پیامبر»، حکومت اسلامی، زمستان ۱۳۸۷، ش ۴.
۲۲. سیوطی، جلال الدین، درالمنثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم والملوک، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ق.

۲۴. _____، جامع البیان، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۲۵. عسکری، سید مرتضی، نقش ائمه در احیاء دین، تهران: منیر، ۱۳۸۹.
۲۶. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق / ۱۹۸۵ م.
۲۷. مالک، موطن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۲۸. متقی هندی، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ق.
۲۹. مرتضی عاملی، سید جعفر، الصحیح من سیره النبی الاعظم، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۳۰. مفید، خلاصه الايجاز، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۳۱. مسعودی، مروج الذهب، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹.
۳۲. مجلسی محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۳. معارف، مجید، تاریخ حدیث، تهران: کویر، ۱۳۸۵.
۳۴. ناظمیان فرد، علی، «سقیفه باز تولید سیادت جاهلی»، پژوهش‌های تاریخی، سال سوم، زمستان ۱۳۹۰، ش ۴.
۳۵. نجمی، محمد صادق، سیری در صحیحین، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹.
۳۶. نسایی، سنن الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۳۷. نیشابوری، مسلم بن حجاج، الجامع الصحیح، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۳۸. یعقوبی، تاریخ، بیروت: دار صادر، بی تا.



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی